

مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی د ستراتژیکو او سیمه یزو څېړنو مرکز



تحليل هفته

شماره: 43 (از اول سنبله الی 14 سنبله 1392 هـ ش)

این نشریه مجموعه‌ای از تحلیل و وقعات مهم در طول یک هفته است که توسط مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی جهت تحلیل وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور تهیه و نشر می‌گردد تا نهادها و مراجع مختلف از آن مستفید گردند.

آنچه درین نشریه می‌خوانید:

1. اتحاد انتخاباتی افغانستان اعلام موجودیت کرد

- نامزد واحدی برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده از سوی این اتحاد معرفی خواهد شد.

2. حامد کرزی برای بیستمین بار راهی پاکستان شد

- بیستمین سفر با خواست‌های بی‌مورد و وعده‌های کلیشه‌ای.

3. لویه جرگه؛ تبدیل به کمپاین انتخاباتی خواهد شد؟

- همایش‌های دولتی برای کمپاین‌های انتخاباتی راه اندازی می‌گردد.

4. میزگرد: راه خروج از بن بست برای رسیدن به صلح

- گفتمان سیاسی به ابتکار مرکز مطالعات استراتژیک و منطقی در کابل برگزار گردید.

اتحاد انتخاباتی افغانستان اعلام موجودیت کرد



با نزدیک شدن انتخابات، ائتلاف‌ها و شوری‌ها یکی پس از دیگری در حال شکل گرفتن است. اتحاد انتخاباتی شاید یکی از برجسته‌ترین این حرکت‌ها بوده که چندی پیش در حدود ۱۵ جریان سیاسی را همسو و متحد کرد.

اتحاد انتخاباتی افغانستان در این موافقتنامه تعهد کردند که نامزد واحدی را برای شرکت در انتخابات ریاست جمهوری آینده، معرفی خواهند کرد.

به اساس این موافقتنامه باید تصمیم‌گیری‌ها در این اتحاد به اتفاق آراء صورت گیرد.

سران این اتحاد گفتند که در وقت معین نامزد انتخاباتی‌شان را معرفی خواهند کرد و پس از آن ستاد انتخاباتی را تشکیل خواهند داد که استراتژی انتخاباتی این اتحاد را ترتیب خواهد داد.

جریان‌های سیاسی عضو در اتحاد انتخاباتی افغانستان

- جمعیت اسلامی افغانستان
- حزب وحدت اسلامی مردم افغانستان
- جنبش ملی اسلامی افغانستان
- ائتلاف ملی افغانستان
- جبهه ملی افغانستان
- حزب متحد افغانستان
- حزب حقیقت افغانستان
- روند سبز
- حزب افغانستان نوین
- حزب اقتدار ملی افغانستان
- حزب عدالت و توسعه
- حزب اتحاد اقوام افغانستان
- شورای انسجام قوم عرب افغانستان
- نهاد اجتماعی ترکمن‌های افغانستان
- حزب وحدت اسلامی ملت افغانستان

در موافقتنامه اتحاد انتخاباتی افغانستان آمده: "این اتحاد برنامه ملی شورای همکاری را با شاخصه‌های اصلاحات بنیادی در ساختار سیاسی نظام، مشارکت عادلانه اقوام، توسعه متوازن و توزیع عادلانه قدرت و منابع برای حل منازعات اجتماعی را تأیید می‌کند".

از این رو نخبگان و رهبران سیاسی هم به خوبی دریافته‌اند که این بار، اگر بخواهند به میدان انتخابات رفته و از این میدان برنده بیرون شوند و یا این که دست کم، دست خالی از صحنه حذف و خارج نشوند، عزم را بر این جزم کرده‌اند که با هم‌گرای و وحدت بیشتری وارد کارزار انتخاباتی شوند.

تعدادی از کارشناسان امور می‌گویند: اینکه مردم ما و رهبران و نخبگان سیاسی ما با هزاران خطا و اشتباه مرتکب شدن، در حال رسیدن به بلوغ و رشد سیاسی هستند و توانسته‌اند منافع خود را در کنار دیگران و در قالب تشکیل یک چنین اتحادها و ائتلاف‌های ببینند، ما به دیده مثبت می‌نگریم.

اما آن چه که نگران‌کننده است، آینده و دورنمای کاری اتحادهای از این دست است. آیا محوری که این جریان‌ها و چهره‌های سیاسی، حول آن گرد هم آمده‌اند، آن قدر قوی است و فلسفه آن در وجود این بزرگواران نهادینه شده است که بتوانند حتی اگر در این میان، حساب و کتاب‌های از پیش تعیین شده‌شان، اندکی هم با خطر مواجه شده و یا سود سنج‌شان خطر را نشان داده و از مقیاس‌نشانی شده، کمتر شود، ملی‌گرای و منافع‌مردمی، باعث شود، بمانند و از پاشیدن این اتحاد از هم و از شوراندن یکی علیه دیگری حذر کنند؟

آنچه قدر مسلم است این که ضرورت این گونه یکی شدن ها غیر قابل انکار است و این که در مدت زمان کوتاهی که به ثبت نام کاندیدان ریاست جمهوری مانده است، اعلام موجودیت اتحادی در یک چنین وسعتی، درایت سیاسی بیشتری را در فضای انتخاباتی آتی و فضای پیش از انتخابات نشان می دهد که بدون شک این تغییر مثبت استوار بر تجربه های تلخ دو دور انتخابات گذشته است که رهبران و جریان های فعال سیاسی در کشور را هوشیارتر و حساس تر از گذشته ساخته است.



اتحاد شکل گرفته است، لبخند ها هم حکایت از رضایت و خطوط مصمم چهره ها، گویای عزم و اراده ای قوی برای بردن میدان دارد. اما سوال اساسی این است که آیا این اتحاد فقط برای بردن شکل گرفته است و قرار است اگر برنده میدان باشند به نسبت و سهامی، قدرت به دست آمده را میان خود تقسیم کنند یا این که نه این اتحاد تصویرگر یک تیم کاری مشترک است که بدون در نظر داشت سهم از قدرت و منافع حاصل از برد

انتخاباتی بر سر یک اجندا و برنامه و دستور العمل ملی و طراحی شده، کاری را با ابعاد و گستره ای متفاوت آغاز خواهند کرد؟ اگر به ادعای تشکیل دهندگان این اتحاد پاسخ بلی است، بدون شک باید یک برنامه قوی و ملی و همه گیر را روی دست گرفته و با این برنامه مشترک و اضافه شدن چاشنی همدلی و اتحاد، بحران افغانستان را مدیریت کرده و فضا را قدری از تشنج و شتابی که به سمت نابودی گرفته مانع شده و به ثبات و امنیت بیشتر پیوند دهند.

و محترم احمدضیاریحیمزی نویسنده و ژورنالیست افغان درین مورد میگوید: اتحادهای نظیر اتحاد انتخاباتی، امید است که فردای روزی که انتخابات به اتمام می رسد هم ادامه پیدا کند، چرا که اتحاد بعد از انتخابات، اهمیتی اگر نه حیاتی تر اما به نسبت اتحاد پیش از انتخابات مهم و حائز اهمیت است؛ چرا که بعد از انتخابات است که گروهی برندگان و گروهی بازندگان خواهند بود. اما این که چگونه برد را صیانت و حفاظت کرد و از باخت، بردی شیرین ساخت، هنرمندی ها و مهارت های می خواهد که بدون شک داشتن اتحاد و همگرایی ضرورت غیر قابل انکار آن است.

تشکیل اتحاد ها و ائتلاف های انتخاباتی که در این روزها بازار آن گرم است و در کنار آن، بازار انتخابات و مبارزات انتخاباتی را نیز گرم ساخته است، و ارائه نامزد واحد انتخاباتی از جانب آنها، هرچند از این دیدگاه، مثبت ارزیابی می شود که از لست طویل کاندیدان و نامزدان در این انتخابات شاید جلوگیری نماید و از سوی دیگر هم شاید بتواند تشتت و پراکنده گی رأی دهنده گان را کمتر سازد، اما قبل از این که روی مؤثریت این اتحادها و ائتلاف ها بحث کنیم لازم است این موضوع را نیز بیاد داشته باشیم که به اساس گزارش وزارت های قوای مسلح که در مجلس هفته گذشته شورای امنیت ملی کشور مطرح گردید، نیروهای امنیتی افغان از تأمین امنیت بیش از 50 فیصد از مراکز رأی دهی در سراسر کشور عجز خود را اظهار نموده اند.

در همین حال شهر کابل اگر از یک سو شاهد تشکیل اتحاد انتخاباتی از احزاب اپوزیسیون سیاسی حکومت کنونی می باشد، از سوی دیگر شاهد جلساتی نیز است که به اشتراک و رهبری اعضای پارلمان و متنفذین قومی برخی مناطق کشور تدویر می یابد و با استناد بر نا امن بودن بیش از 50 فیصد از مراکز رأی دهی در سراسر کشور، خواهان عدم برگزاری انتخابات آینده ریاست جمهوری و تمدید دوره کاری آقای کرزی می باشد.

با توجه به این همه اگر از یکسو بعید به نظر می رسد که در شرایط کنونی افغانستان انتخابات همه گیر، آزاد، عادلانه و شفاف برگزار گردد، از جانب دیگر تحلیلگران به این باور هم اند که امتداد دوره کاری آقای کرزی و تیم همکار کنونی وی، نیز راه حل درست و سالم قضایا شمرده نمی شود.

به هر صورت، تا آنجا که حرف ما به تشکیل اتحادها و ائتلاف های انتخاباتی مربوط می گردد، اگر انتخابات آزاد، همه گیر و شامل همه مردم همه مناطق و ولایات افغانستان برگزار گردد، در آن صورت تشکیل و ایجاد چنین اتحادها و ائتلاف ها شاید بتواند مؤثر و دارای کار آیی لازم پنداشته شود ولی این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که در اولین اتحاد انتخاباتی که عمدتاً احزاب و گروه های مخالف حکومت

فعلی کابل در آن شرکت داشتند، بیشتر روی تجمع احزاب و جریان های تمرکز صورت گرفته بود که از یک سمت و یک جهت مشخص نماینده گی می کنند و این موضوعیست که نگرانی سائر اقوام و مردم ساکن سمت های دیگر افغانستان را بر می انگیزد و از مؤثریت و کار آیی چنین اتحاد ها و ائتلاف ها نیز می کاهد.

بدون شک ائتلاف ها و اتحادهای انتخاباتی باید هم از احزاب و گروه های همفکر و هم نظر تشکیل یابند و هیچ کس نمی تواند اتحاد و ائتلافی از احزاب و سازمانهای را که دارای افکار و نظریات متضاد سیاسی باشد ، مؤفق و دوامدار تلقی کند، اما تمثیل روحیه وحدت ملی بین اقوام مختلف و باشنده گان سمت های مختلف یک کشور در هر اجتماع سیاسی و مدنی، یکی از شروط عمده و مهم برای مؤفقیت آن شمرده می شود که متأسفانه این عنصر در تشکیل اولین اتحاد انتخاباتی کم رنگ و ضعیف به نظر می رسد و این امر می تواند چانس مؤفقیت و مؤثریت این اتحاد را با درنظر داشت شرایط بحرانی کنونی کشور ما، کمتر سازد.

رئیس جمهور در پاکستان چه وعده های داد؟



حامد کرزی رئیس جمهوری افغانستان برای بیستمین بار راهی پاکستان شد و بعد از دیدار دو روزه از پاکستان و گفتگوها با مقامات پاکستانی به کابل برگشت.

حکومت های افغانستان و پاکستان با انتشار اعلامیه های جداگانه گفته اند که رهبران هر دو کشور روی همکاری ها در زمینه برقراری صلح و ثبات و گسترش روابط اقتصادی میان دو کشور توافق کرده اند. اما آگاهان و ناظران سیاسی می گویند این سفر دست آوردهای که انتظار می رفت را به همراه نداشته و تنها محدود به تعهدات دو جانبه مقامات در زمینه صلح و ثبات باقی مانده است.

ویدیر صافی استاد علوم سیاسی در پوهنتون کابل از جمع کارشناسان است که می گویند که این سفر نتایج مثبت به همراه نداشته است. وی استدلال می کند که اگر رئیس جمهور کرزی دست آورد مشخصی از این سفر می داشت زمانی که وارد کابل شده بود در یک کنفرانس خبری حضور یافته درباره آن به مردم اطلاع می داد.

عبدالشهبید ثاقب محلل سیاسی افغان میگوید:

محمد عمر داوودزی، سفیر پیشین افغانستان در پاکستان، به عنوان سرپرست وزارت داخله تعیین شد.

داوودزی یکی از چهره های نزدیک به پاکستان می باشد. به نظر می رسد که تقرر وی به عنوان سرپرست وزارت داخله، جزء از توافقاتی باشد که در بیستمین سفر رئیس جمهوری به آن کشور با نواز شریف صورت گرفته است. بیستمین سفر رئیس جمهوری به پاکستان که چند روز پیش صورت گرفت اگرچه ظاهراً ناکام و بی دستاورد خوانده شده است، اما سرتاج عزیز، مشاور نخست وزیر آن کشور گفته است که این آخرین سفر توانسته فضای اعتماد را میان دو کشور ایجاد کند.

پاکستانی ها خواست های متعددی از جانب افغانستان دارند که یکی از آنها اعزام نیروهای امنیتی افغانستان برای آموزش به پاکستان می باشد. پاکستانی ها می خواهند با به دست آوردن این امتیاز در میان نیروهای امنیتی کشور نفوذ نموده و آن ها را وفادار به خود پرورش دهند.

تقرر محمد عمر داوودزی به عنوان سرپرست وزارت داخله، نشان می دهد که رئیس جمهور کرزی به خواست های آنان لبیک گفته و ظاهراً این تقاضا را پذیرفته است. پاکستان یکی از کشورهای مقتدر منطقه است. گفته می شود که این کشور در رده بندی جهانی، دارای پانزدهمین ارتش مقتدر دنیا می باشد.

پاکستان در کنار برخورداری از همه نیروهای نظامی هم چنان در تلاش است تا با نفوذ در ارتش و نیروهای امنیتی افغانستان، نیروهای امنیتی این کشور را نیز اجیر خود بسازد.

محترم ذاکر جلالی ناظر مسائل سیاسی با عنوان نمودن بیستمین سفر با خواست های بی مورد و وعده های کلیشه دیدگاه خویش را چنین ابراز میکند:

رئیس جمهور کرزی در بیستمین سفری که به پاکستان داشت باری دیگر روی خواسته های پیشین اش تأکید ورزید و جانب پاکستان نیز طبق معمول وعده های گذشته را تکرار کرد که بارها به جانب افغانستان اطمینان داده شده بود. این سفر که شاید آخرین سفر آقای کرزی به حیث رئیس جمهور به پاکستان باشد، انتظار نمی رود دست آوردی متفاوت با سفرهای گذشته داشته باشد. مشکل اساسی و مانع عمده در عدم پیشرفت این مذاکرات و گفت وگوها خواسته های بلند و بالا افغانستان از پاکستان است. به باور سیاست مردان افغانستان، پاکستان می تواند طالبان را حاضر به میز مذاکره با حکومت افغانستان کند. سرنخ مشکل همینجاست. آقای سرتاج عزیز، مشاور امنیتی و بین المللی نخست وزیر پاکستان در سفر یک ماه قبل اش به کابل اذعان داشت که حکومت اش در صفوف طالبان نفوذ دارد.

اما ایشان طالبان را کنترل نمی‌کنند. نخست‌وزیر نواز شریف نیز در نشست خبری با رئیس جمهور کرزی گفت که در پروسه صلح افغانستان، تا حد توان همکاری خواهد کرد. این قید "تا حد توان" واضح است. پاکستان همواره ادعا داشته است که "تا حد توان" از فرایند صلح افغانستان حمایت و همکاری می‌کند. بنا بر این، افغانستان همانند گذشته ازین "تا حد توان" انتظار بیشتری دارد که سرانجام باعث تنش در روابط دو کشور خواهد شد.



آگاهان می‌گویند سفر آقای کرزی به پاکستان در حالی صورت می‌گیرد که هنوز هم آتش‌باری بر بخش‌های از مناطق مرزی کشور در شرق و جنوب ادامه دارد و به گمان غالب، این آتش‌باری‌ها به گونه سیستماتیک از آن سوی مرز صورت می‌گیرد. مقام‌های محلی در کتر و نورستان همواره تأیید کرده‌اند که شبه‌نظامیان پاکستانی، مسوول این حملات هستند. آیا سفر آقای کرزی به پاکستان، عملاً چشم‌پوشی بر این‌گونه حملات و عدم همکاری پاکستان در تأمین امنیت در افغانستان نیست؟ وقتی میان دو کشور مشکلاتی از این دست به وجود می‌آید، طرف متضرر تلاش می‌ورزد

که از راه‌های ممکن به گونه قاطع مواضع خود را به طرف مقابل ابلاغ کند و نه این‌که به مهمانی به خانه کسی برود که عملاً مسوول ویرانگری‌ها و کشتار غیرنظامیان کشورش است. این سیاست متناقض را چه‌گونه می‌شود توجیه کرد؟ آیا آقای کرزی حداقل برای آنانی که در حملات شبه‌نظامیان پاکستانی عزیزان خود را از دست داده‌اند و از خانه‌های خود متواری شده‌اند، پاسخی قانع‌کننده و رضایت‌بخش دارد؟

بدون شک آقای کرزی به چنین پرسشی هیچ پاسخی نخواهد داشت؛ ولی او هدف‌های دارد که باید در پایان مأموریت خود به آن‌ها برسد. برای آقای کرزی در شرایط فعلی که آب از سر گذشته و امید چندانی به باقی ماندن در قدرت وجود ندارد، مسایلی چون حاکمیت ملی و دفاع از مردم کشور نمی‌توانند مطرح باشند. آقای کرزی پیش از آن‌که نگران امنیت کشور باشد، نگران امنیت خود و اطرافیان خود پس از سال ۲۰۱۴ است که معلوم نیست چه اتفاقی خواهد افتاد.

آقای کرزی در آستانه از دست دادن قدرت سیاسی، به این فکر می‌کند که چه‌گونه منافع خود را در وجود فرد بعدی در قدرت جست‌وجو کند. شاید پاکستان در این میان بتواند نقش مهمی بازی کند که بدون شک از نظر آقای کرزی پنهان نیست. در بازی قدرت، آقای کرزی نسبت به نقش و جایگاه پاکستان به اندازه کافی حساس است. او می‌داند که طالبان هنوز به عنوان عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی در دست‌های استخبارات و نظامیان پاکستان قرار دارد و هر اقدام شخصی او برای جلب حمایت طالبان، به دلیل همین نفوذ، به شکست قطعی می‌انجامد. چرا که آقای کرزی از صلح و گفت‌وگو با طالبان هیچ هدف ملّی را دنبال نمی‌کند. اهداف او برای گفت‌وگو و مذاکره با تمام گروه‌های مخالف مسلح، هدف‌های شخصی و گروهی است. آقای کرزی دغدغه این را ندارد که افغانستان به صلح و امنیت دست پیدا کند، بل دغدغه او این است که جایگاهش در تعاملات سیاسی کشور کجاست و چه‌گونه می‌تواند این جایگاه را برای خود محفوظ نگه دارد. حالا هم که آقای کرزی در صدد باز کردن آدرس تازه‌ی برای طالبان است، به کمک‌های پاکستان در این رابطه بیش از هر زمان دیگر احساس نیاز می‌کند.

سیاست پاکستان باید در بعد محتوای تغییر کند!

آقای مسعود ترشتوال استاد دانشگاه در پاسخ به اینکه کدام کشور می تواند نقش بسزای در مناسبات صلح و ثبات در افغانستان داشته باشد؟ هند یا پاکستان؟ گفت: برقراری روابط خارجی میان کشورها به دو عامل مهم بستگی دارد و عبارت از محدودیت های است که در روابط خارجی قابل تعریف است. مساله اول، جایگاه کشورها در نظام بین الملل و دومین مساله میزان قدرت در چگونگی آرایش قدرت سیاسی در حوزه سیاست بین المللی است. این دو عامل نیز وابسته به اقتدار ملی و نوع سیاست خارجی است. هیچگاه در روابط یک کشور با کشورهای خارجی، نباید کشور دیگری قربانی شود و ما در سطوح مختلف به ارتباط با همه کشورها نیاز داریم.

وی افزود: در بعد حاکمیت داخلی و خارجی هیچ کشوری حق ندارد، در تضعیف یا تقویت رابطه دیپلماتیک یک کشور با سایرین محدودیت های را وضع کند یا از خود نقشه راه را نشان دهد. نحوه تعامل ما با سایر کشورها به هیچ کشوری ارتباط ندارد. خط قرمز و مبنای ما منافع ملی ما است. منافع ملی ما حکم می کند که با تمام کشورها ارتباط خوبی را بر مبنای اصول برقرار کنیم. منطق و عقلانیت سیاسی حکم می کند که سیاست موازنه را در بعد سیاست خارجی مبنای کار خود قرار دهیم. هم رابطه ما با پاکستان قابل توجه و مهم است و هم رابطه ما با هندوستان.

آقای ترشتوال در ادامه بیان داشت: هندوستان می تواند به عنوان متحد بسیار خوب اقتصادی کشور مطرح شود. از سوی دیگر ما به برقراری ارتباط با پاکستان نیز با وجود حسن نیت نیازمندیم. یعنی رابطه ای که اعلام و اعمال آن با هم همخوانی داشته باشد. در مساله امنیت با کشور پاکستان، نیازمند اهتمام جدی به تعهدات هستیم. این کشور یک همسایه خوب در حوزه مسایل امنیتی برای ما نبوده است و همواره بی اعتمادی و عدم وفاداری به تعهدات از جانب پاکستان وجود داشته است. این کشور امنیت خود را در ناامنی افغانستان می داند و تغییر دیدگاه آن بسیار سخت خواهد بود. ما در این ارتباط به دیپلماسی فعال، ظرافت اندیشی ها و کسب تعهدات با ضمانت اجرای بسیار قوی نیازمندیم.

این استاد دانشگاه در پاسخ به اینکه برنامه متفاوتی که نوازشریف در قبال افغانستان می تواند ارائه کند، چیست؟ گفت: با در نظر داشت اینکه در دیپلماسی باید برنامه مشخص و تعریف شده ای با قواعد شکلی و متحوای مشخص داشته باشیم، اساسی ترین مساله در مذاکرات، تعهد طرفین بر توافقات است. تجربیات رابطه با پاکستان، باعث نا امیدی ما شده است. در گذشته بین سال های 1326 تا 1357 در یک مقطع حساس تاریخی، اختلافات ما با پاکستان در مورد مسایل مرزی تشدید شد

لویه جرگه؛ تبدیل به کمپاین انتخاباتی خواهد شد؟

چند روز پیش حامد کرزی، رییس جمهوری افغانستان، در یک کنفرانس مطبوعاتی از برگزاری لویه جرگه در ظرف دو ماه آینده خبر داد. او هدف از برگزاری این جرگه را بحث روی مساله انعقاد و عدم انعقاد پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا خواند. انعقاد پیمان امنیتی با ایالات متحده امریکا یکی از مسایل جنجال برانگیزی است که موافقان و مخالفان خود را در افغانستان دارد. رییس جمهور افغانستان گفته است: برای آن که تصمیم گیری در چنین موارد جنجال برانگیز از صلاحیت های ملت می باشد، ما لویه جرگه را فراخوانده و این بحث را همراهی شان مطرح خواهیم کرد.

محترم عبدالشہید ثاقب آگاه امور سیاسی میگوید: حامد کرزی هدف از برگزاری لویه جرگه را بحث روی پیمان امنیتی می خواند، اما نگرانی مردم افغانستان از این است که ارگ ریاست جمهوری از این فرصت برای کمپاین انتخاباتی استفاده نموده و با فراخواندن متنفذان، والیان و ولسوالان زیر نام «لویه جرگه» از آن ها بخواهد که از نامزد مورد نظر ارگ حمایت کنند.

من فکر می کنم نگرانی مردم افغانستان در این خصوص بسیار موجه به نظر می رسد. ارگ ریاست جمهوری پیشینه سوءاستفاده از امکانات دولتی برای منافع سیاسی را در کارنامه خود دارد. دولت مردان افغانستان بارها نشان داده اند که از دید آن ها میان بودجه دولتی و کیسه شخصی شان هیچ تفاوتی نبوده و می توانند از همایش های دولتی برای کمپاین های انتخاباتی و منافع تیبی شان استفاده کنند. آن چه که باعث شده است تا مردم افغانستان مساله پیمان امنیتی را بهانه قلمداد کنند، فعالیت های گسترده انتخاباتی است که امروزه، همزمان با فرا رسیدن زمان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، از سوی ارگ راه اندازی شده است.

همه شواهد و قراین حاکی از آن است که ارگ ریاست جمهوری در این روزها جداً درگیر مسایل انتخابات آینده بوده و مشغول رایزنی بر سر گزینش نامزد احتمالی از میان تیم شان می باشد.

بنابراین، در چنین وضعیتی تدویر لویه جرگه نمی تواند به جز از کمپاین انتخاباتی، هدف دیگری داشته باشد. بنابراین، این وظیفه ی فعالان سیاسی رهبران اپوزیسیون و روشنفکران افغانستان است که نگذارند ارگ ریاست جمهوری با استفاده از امکانات دولتی کمپاین های انتخاباتی برگزار نموده و بار دیگر شانس شان را برای رسیدن به قدرت بی آزمایشند.

سوءاستفاده از امکانات دولتی برای منافع شخصی و گروهی نه تنها منافی با دموکراسی می باشد، بل اصل انتقال مسامت آمیز قدرت را نیز به چالش کشیده و زمینه را برای استقرار دیکتاتوری مساعد می سازد. سوءاستفاده از امکانات دولتی با تمام و انواع و اقسام آن محکوم است؛ فرقی نمی کند که استفاده از ارتش برای دخالت در نتایج انتخابات باشد یا برگزاری لویه جرگه با امکانات دولتی و به هدف کمپاین انتخاباتی.

میزگرد: راه خروج از بن بست برای رسیدن به صلح

گفتمان سیاسی به ابتکار مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی روی عنوان راه خروج از بن بست برای رسیدن به صلح در تالار کنفرانس مرکز مطالعات استراتژیک و منطقوی در شهر کابل به روز چهارشنبه ششم سنبله سال 1392 هـ ش برگزار گردید.

درین گفتمان تعدادی از شخصیت های صاحب نظر افغان از جهت های مختلف اشتراک داشتند که به هدف بحث و تبادل نظر روی روند صلح در کشور، چالش های فراه راه آن و راه های خروج از بن بست صلح دایر گردیده بود.

مشارکین این میزگرد:

دکتور عنایت الله همام
استاد انورالله لودین
عبدالحفیظ منصور
محترم سید اسحق گیلانی
انجنیر نظر محمد مطمئن
استاد نصیر احمد نویدی
مولوی عبدالسلام عابد
دکتور صفت الله قانت
استاد نقیب الله حمید
استاد عزیزالرحمن حبیبی
دکتور وحیدالله مصلح
محترم غلام جیلانی

دکتور مصباح الله عبدالباقي
دکتور عبدالباقي امين
مولوی عطاء الله لودین
انجنیر احمدشاه احمدزی
استاد محمد زمان مزمل
محترم عبدالستار خواصی
مولوی وکیل احمد متوکل
انجنیر قطب الدین هلال
داکتر فاروق اعظم
مولوی جانباز سرفراز
محترم قاضی امین وقاد
محترم عباس کریمی

این گفتمان با موافقت بر طرح مشترک در جهت خروج از بن بست صلح به پایان رسید که طرح مذکور عنقریب به دسترس همگان قرار خواهد گرفت.

